حکمت تقنین در جمع استحبابی روایات متعارض و طرح آن‌ها

البته کاری که مرحوم فیض فرمودند، مجاز بود ای نبود؟ گفتند در این‌ها شائبه وضع هست. قبلاً این را عرض کردم که اولویت جمع از طرح، به این معنا نیست که شما اگر طرح کردید، کار غیر مجاز کردید. چون این از تسهیلات شارع است. خب می‌گویید اگر به ما نسبت داده شد، به ما در کنید و بگویید «نرد علمه الی اهله»، روشن است که همه این‌ها فضیلت است. یعنی هرگز این‌چنین نیست که اگر کسی با دو دسته روایات متعارض مواجه شد، بر او واجب باشد که بگوید «نرد علمه الی اهلها». اصلاً این‌طور نیست. چرا؟ چون مواضعی هست که باید فکر جلو برود و باید انتخاب کند. «نرد علمه» یک نحو توقف است. عدم پیشرفت فکر است. عدم اجتهاد است. می‌خواهم بگویم «نرد علمه»، «المسلّمون لامرنا»، فضیلت است. لذا کار مرحوم فیض خلاف مجاز نبوده که این‌ها را می‌گویند. خود اهل البیت این‌ها را یاد دادند. در خود روایات به ما یاد می‌دهند.

لحن را ببینید؛ وقتی روایتی از جانب ما برای شما آمد، «فاعرضوها علی کتاب الله». ببینید دارند راه را نشان می‌دهند. اگر مخالف بود چه کار کنید؟ بگویید «نرد علمه الی اهلها»، «نسلّم»، ما چه می‌دانیم، ادبیات این روایات چیست؟ «فاضربوه علی الجدار». یعنی در بعض مقام‌ها وقتی شما می‌خواهید بحث را جلو ببرید، «فاضربوه علی الجدار» هم داریم. یعنی یک جای حکمت کار به این است که جایش این است که اخذ به «جوّزه الله» شود که طرح است و ضرب علی الجدار است. این چقدر نیاز است. کسانی که کار علمی می‌کنند می‌بینند حکمت خود تقنین و حفظ شریعت بر همین «فاضربوه علی الجدار» است. بله «نرده علمه الی اهله»، «نسلّم» و... همه خوب است، برای مرتبه فضیلت است. ولذا «الجمع مهما امکن» واجب نیست. «الجمع مهما امکن اولی من الطرح». کسی که «نرد علمه الی اهلها» نگفت، ترک اولی کرده است. نه این‌که کار حرام و کار غیر مجاز کرده است.

شاگرد: «فاضربوه علی الجدار» در سیاق «زخرف باطل» است. یعنی گویا لاحجت است. در مقام تمیزی حجت از لاحجت است.

استاد: همان جا هم اگر تسهیل بگیریم، به این صورت نیست. مشهور این‌طور می‌گویند.

شاگرد: در «زخرف باطل» شما این حرف را می‌فرمایید؟

استاد: یعنی شما در مقام ظاهر بگو «زخرف» است. جمع این «زخرف» با این‌که می‌گویید اگر به ما نسبت داده شد، به این صورت است. همان‌طور که مرحوم کلینی فرمودند ما چند روایت می‌توانیم پیدا کنیم که مخالف کتاب باشد؟! «لانعرف من ذلک الا القله». در مقدمه کافی فرمودند. وقتی به این صورت است، «زخرف» به چه معنا است؟ یعنی من شارع برای این‌که کارتان محکم باشد و در

تصمیم‌گیری‌ها، مذبذب و متوقف نباشید، برای شما توجیز کردم که کنار بگذارد. خاطر جمع باش که من مولی ولو گفته باشم فردا بر تو سخت نمی‌گیرم. با جمع بین همه روایات، معنایش این می‌شود. پس چرا «زخرف» فرموده‌اند؟ یعنی زخرفٌ عند الناقص التی لایستطیع ان یتوقف و ان یجمع»؛ نمی‌تواند بایستد و نمی‌تواند جمع کند؛ ضعیف است. لذا مولی تخفیف داده است.

شاگرد: تخفیفش به تخییر است دیگه. چرا می‌گویند «زخرف باطل»؟

استاد: برای اینکه اگر شما بخواهید ترجیحات را اعمال کنید، اگر بخواهید فضیلت را اعمال کنید، مجبور هستید یکی را کنار بگذارید. لذا می‌گویند مانعی ندارد و آن را کنار می‌گذارید. به گمانم بسیاری از مواردیکه حتی ادعای مخالفت می‌شود، کسی که کار علمی کند، مخالفت سر نمی‌رسد.

بازبینی #1
ایجاد شده 12 آوریل 2026 12:23:23 توسط ... .
به روزرسانی شده 12 آوریل 2026 12:24:36 توسط ... .